خبر

قرارداد بازیگران یک برگ کاغذ بی‌ارزش است

یک بازیگر سینما و تلویزیون گفت: متاسفانه ما شاید قراردادی در شروع یک پروژه می‌بندیم اما این قرارداد چندان قابل پیگیری نیست. به‌طورکلی اگر هم کسی خلف‌وعده کند ما باید برای به‌دست‌آوردن پول‌مان ماه‌ها و سال‌ها دوندگی کنیم.

غلامحسین لطفی گفت: متاسفانه این برای بار نخست نیست که از این وضعیت گله می‌کنم و می‌ترسم به بهانه‌گیری متهم شوم اما واقعا نه‌تنها من بلکه بسیاری از بازیگران با این مشکل روبه‌رو هستند.

وی در همین راستا ادامه داد: ۲۰ سال است که از یک‌سری کارهایی که بازی کردم طلب دارم و هنوز پرداخت نشده و قطعا پرداخت هم نخواهد شد. بسیاری از ما بازیگران با وعده‌وعیدهایی سر پروژه‌ها حضور پیدا می‌کنیم اما بعد از آن با بدعهدی و بدقولی تهیه‌کنندگان روبه‌رو می‌شویم. قراردادی که بازیگران و عوامل می‌بندند صرفا یک برگ کاغذ است و چون ارزش حقوقی چندانی ندارد قابل پیگیری نیست. از سویی همواره این نیاز وجود داشته که یک نهاد قضایی وارد این ماجرا شود و برای حل این مشکلات نهادی واسط برپا گردد که اگر بازیگر یا عواملی از گروه بخواهد شکایت کند این شکایت روندی قانونی به خود گرفته و برای فرد بدهکار بازدارندگی حقوقی داشته باشد. / میزان

ایستگاه نقد

نگاهی به فیلم «دو زیست» ساخته برزو نیک‌نژاد

فیلمی الکن با روایتی ناقص

افشین علیار
منتقد سینما

این روزها خیلی از آثار سینمایی که روی پرده می‌رود، از منظر فیلمنامه دچار آسیب جدی هستند. این حرف به این معنی نیست که همه توانایی‌های کارگردان‌های سینمای ایران را نفی کنیم. ممکن است کارگردانی استانداردهای حداقلی را داشته باشد اما دست‌کم گرفتن فیلمنامه و شیوه روایت موضوع می‌تواند ضربه محکمی به فیلم بزند.

«دوزیست» یکی از همین فیلم‌هاست که برزو نیک‌نژاد کارگردان آن سعی کرده با چند بازیگر مطرح و چهره، یک ملودرام اجتماعی بسازد اما این فیلمساز که بیشتر او را با آثار طنز به خاطر می‌آوریم، نتوانسته در ساخت یک اثر جدی اجتماعی توفیق چندانی به دست آورد. او سعی داشته با ساخت دوزیست، اجتماع و آدم‌های طبقه فرودست را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. اما نبود انسجام در فیلمنامه و قصه‌پردازی و نداشتن یک ایده مرکزی قابل اتکا باعث شده دوزیست در حد یک طرح خام با موقعیت‌های ساده‌انگارانه باقی بماند. چیدمان موقعیت‌ها در فیلم، آن‌قدر ساده و مصنوعی شکل گرفته که مخاطب در ایجاد ارتباط با کلیت اثر ناکام می‌ماند. ایجاد ارتباط میان کاراکترها و طراحی نقش آنها در روند فیلم، متقاعدکننده از کار درنیامده و جغرافیای اثر که در ناکجایی مطلق است، سیر می‌کند! این ابهام و سردرگمی از همان سکانس‌های اول با ورود مریم به گاراژی که عطا عاشق و دلخسته او می‌شود، آغاز می‌شود! فیلمساز بدون این‌که به شخصیت‌پردازی کاراکترها فکر کرده باشد، در ابتدایی‌ترین شکل ممکن آدم‌ها را به فیلم وارد می‌کند. نمونه دیگری از ضعف شخصیت‌پردازی در فیلم، کاراکتر حمید است، کاراکتری لمپن که مشخص نیست کار و کاسبی‌اش چیست و ابهامات زیادی درباره شخصیت وی وجود دارد. در واقع ضعف اصلی فیلم در این است که هیچ کدام از کاراکترهای فیلم هویت مستقلی ندارند و فیلمساز سعی کرده با دادن اطلاعات قطره‌چکانی، مخاطب را با فیلم همراه کند که این اتفاق عملا رخ نمی‌دهد.

فیلم خرده‌پیرنگ‌ها

زمانی که فیلمساز نتواند به خوبی قصه‌اش را پیش ببرد یا شخصیت‌پردازی کند، چطور ممکن است انتظار داشته باشد که مخاطب با فیلمش همراه شود؟ دیالوگ‌هایی برای فیلم نوشته شده که هیچ ربط منطقی به جهان الکن فیلم ندارد. عاشق‌شدن عطا در یک نگاه و در ادامه صیغه‌کردن مریم بدون هیچ آگاهی منطقی از گذشته این دختر، نه‌تنها از او یک قهرمان نمی‌سازد بلکه این کاراکتر را در نظر مخاطب عقب‌افتاده نشان می‌دهد! نمونه‌ای از این ایرادات و ابهامات فیلمنامه، خالی‌کردن گاوصندوق «سیفی» به دلیل پرداخت دیه است که چند بار در فیلم بیان می‌شود. این موضوع به گونه‌ای مطرح می‌شود که انگار مجتبی با ماشین به کسی زده و حالا فراری شده و به خانه عطا پناه آورده است. اما این مسأله رها می‌شود و فیلمساز تنها خواسته با یک بهانه غیرمنطقی حضور مجتبی را در آن خانه موجه جلوه دهد.

«دوزیست» فیلم خرده‌پیرنگ است. اثری که نمی‌تواند راه خود را به مخاطب نشان بدهد. موقعیت‌های کم‌جان و لاغری در فیلم وجود دارد که در نهایت نمی‌تواند نکته مهمی برای این فیلم محسوب شود. اساسا زبان این فیلم در روایت داستان آن قدر سست و لحظه‌ای است که فیلمساز نمی‌داند چگونه و چطور گره‌افکنی کند. آیا این فیلم می‌تواند گرهی داشته باشد؟ زمانی که فیلم اساس و چارچوب لازم را برای موقعیت‌پردازی نداشته باشد، فیلمساز هم در ایجاد شرایط قصه‌گویی ناکام می‌ماند.

نگاه

دور از استانداردهای فیلمسازی

دوزیست به شدت متکی به بازیگرانش است اما زمانی که فیلمنامه‌ای نباشد بازیگر هم نمی‌تواند بازی قابل قبولی ارائه دهد. به همین دلیل ما با اثری مواجهیم که بازیگران فقط در قاب حضور دارند، حتی در سکانسی که دوستِ مریم وارد فیلم می‌شود هیچ اتفاق مهمی رخ نمی‌دهد به جز چند زد و خورد که آنها هم به‌شدت هم تصنعی است. قصد فیلمساز از چیدمان این سکانس‌های نارس مشخص نیست مثلا مشخص نمی‌شود که چگونه گاوصندوق خالی شد یا پدر چرا باعث انفجار انبار سیفی می‌شود؟ یا دعوای عطا و مجتبی در سکانس آخر بی‌منطق است. حمید کاراکتر لمپن چگونه سر عطا را کلاه گذاشت یا مریم چرا باید با حمید از آن خانه فرار کند؟

دوزیست از آن دسته فیلم‌هاست که عناصر زیادی را کم دارد تا به یک اثر سینمایی برسد. این فیلم حتی نمی‌تواند در حد یک تله فیلم باشد، فضاپردازی آشفته قاب‌های غیراستاندارد باعث می‌شود پرده لو بدهد که فیلمساز نمی‌تواند فیلم سینمایی بسازد. این‌که چرا باید برزو نیک‌نژاد در سینما فیلم بسازد کاملا نامشخص است، زیرا او فاصله زیادی با یک کارگردان سینمایی دارد. دوزیست یک اثر الکن و ناقص با بازی‌هایی به شدت غیراستاندارد است و در نهایت این‌که جواد عزتی یا هادی حجازی‌فر چگونه قبول می‌کنند در این گونه فیلم‌ها بازی کنند از نکات باورنکردنی است.

سکانس ماندگار

شب رو باید بی‌چراغ روشن کرد

درباره امین تارخ که امروز ۶۹ ساله شد

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

امین تارخ میخ اول را در سینما محکم کوبید و با بازی محکم و باصلابت و صدای گرم و پرطنینش در نقش سردار ساسانی «مرگ یزگرد» نوید یک بازیگر خوش‌آتیه را داد اما اکران نشدن فیلم، موفقیت او را در سینما به تعویق انداخت و فقط عده معدودی از مخاطبان توانستند در اولین دوره جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۶۱ بازی خوب تارخ و دیگر بازیگران فیلم را ببینند. تقدیر این بود که درخشش گسترده‌تر و محبوبیت تارخ در تلویزیون و با دو شاه‌نقش شیخ حسن جوری در سریال «سربداران» و ابن‌سینا در سریال «بوعلی سینا» رقم بخورد. تارخ به‌قدری در قالب این دو شخصیت موفق و همدلی برانگیز ظاهر شد و مخاطبان بسیاری را با قصه همراه کرد که در ادامه راه موفقیت در سینما هم برای او هموار شد. بازی در فیلم «چمدان» به کارگردانی جلال مقدم، دومین حضور تارخ در سینما بود اما اولین فیلمی که تارخ، نقش اول مرد یک فیلم سینمایی را بازی کرد، ملودرام محبوب و پرفروش «پرنده کوچک خوشبختی» بود که در نقش یک آتش‌نشان به نام خلیل سهرابی، سعی در رفع مشکلات دخترناشنوایش ملیحه دارد.

توانایی و حضور کاریزماتیک تارخ باعث می‌شد کارگردان‌های معتبر و سرشناسی برای همکاری سراغ او بیایند و از این نظر این بازیگر، جزو معدود چهره‌های سینمای ایران است که کار با چند فیلمساز بزرگ را در کارنامه دارد. بهرام بیضایی، جلال مقدم، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی و مسعود جعفری جوزانی از جمله این کارگردان‌ها هستند. یکی دیگر از فیلمسازان مهم و مطرح، علی حاتمی بود که تارخ در دو فیلم با او همکاری کرد، اولی فیلم محبوب «مادر» و دومی هم فیلم «دلشدگان».

برخلاف آن چهره مقتدر و خشن که از تارخ در مرگ یزدگرد ترسیم شد، حاتمی آن روی سکه تارخ را در این دو فیلم به تصویر کشید و تماشاگر وجوه نرم، مثبت و پرمهر و لطافت این بازیگر را به تماشا نشست. این طبع شاعرانه به‌ویژه در نقش جلال‌الدین، یکی از پسران «مادر» با صدای خسرو خسروشاهی تقویت می‌شود و بازی‌اش در نقش یک کارمند بانک که نسبتی با گل سرخ و شعر و شعور دارد، در یادها می‌ماند و حضورش مقابل برادر خشن و نخراشیده‌ای چون محمدابراهیم (محمدعلی کشاورز) و حمایتش از معصومیت غلامرضا (اکبر عبدی) جهان خانواده را متعادل می‌کند. یکی از لحظات درخشان فیلم، سکانسی است که غلامرضا در خلوتی برادرانه با جلال‌الدین نشسته و حتی قندهای فراوانی که در لیوان چایش می‌ریزد برای شیرینی کفایت نمی‌کند و می‌گوید: «تلخه» اما این دیالوگ‌های علی حاتمی و صدای خسروشاهی و بازی تارخ است که کام ما را شیرین می‌کند: «تلخی با قند، شیرین نمی‌شه. شب رو باید بی‌چراغ روشن کرد.»

برای دیدن این سکانس کیوآرکد روبه‌رو را اسکن کنید

اکران ویژه

تماشای آنلاین «گلوله باران»

مستند «گلوله باران» ۲۵ مرداد در مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و همچنین به صورت آنلاین نمایش داده می‌شود.

«گلوله‌باران» درباره دو فیلمبردار است که همراه با گروهی نظامی عازم خط درگیری می‌شوند. در میانه راه یکی از فیلمبرداران توسط تک‌تیرانداز دشمن مجروح می‌شود. او نمی‌تواند به راه‌رفتن ادامه دهد. ساعت‌ها به سختی می‌گذرد. وضعیت پیچیده‌تر می‌شود، از آسمان باران می‌بارد و از زمین گلوله.

«گلوله‌باران» در سیزدهمین جشنواره سینماحقیقت نمایش داده شده و نشان فیروزه بهترین فیلم، تندیس بهترین کارگردانی مستند بلند و جایزه بهترین تدوین را به دست آورده است. مرتضی پایه‌شناس و حسین مومن کارگردان «گلوله‌باران» و مرتضی شعبانی تهیه‌کننده این فیلم هستند. پس از نمایش فیلم در سالن حقیقت مرکز، جلسه نقد و بررسی آن برگزار می‌شود.

«گلوله‌باران» از سه‌شنبه ۲۵ مرداد در سایت هاشور به صورت آنلاین نمایش داده می‌شود. / جام جم

گیشه

یک عضو شورای صنفی نمایش:

فیلم‌های پرفروش هم فقط یک میلیون مخاطب دارند

محمد احمدی، عضو شورای صنفی نمایش ضمن اشاره به مشکلات موجود در فرآیند عرضه فیلم‌های سینمایی بر لزوم توجه به ظرفیت‌هایی غیر از اکران در سالن سینما تأکید کرد.

محمد احمدی، عضو شورای صنفی نمایش و از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان باسابقه ایران درباره برنامه‌هایی که شورای صنفی نمایش طی این مدت دنبال کرده، گفت: در حال حاضر بیش از ۱۰۰ فیلم سینمایی از سال ۹۷ تا امسال در نوبت اکران باقی مانده است. این در حالی است که برای اکران فیلم‌ها سالن‌های سینما تنها راه‌حل اکران در سالن سینما به شمار نمی‌رود و می‌توان به گزینه‌های دیگری نیز فکر کرد.

او افزود: باید راهکارهای مناسب برای اکران پیدا شود و در کنار آن بی‌شک حمایت‌هایی نیز از سوی سازمان سینمایی صورت گیرد تا بتوانیم طرح‌های مناسبی ارائه دهیم که صاحبان فیلم‌ها را مجاب کنیم فیلم‌های خود را در مدل‌های مختلف اکران کنند. در همین راستا، شورای صنفی نمایش به دنبال راهکارهای مختلفی است و در حال مذاکره با پلتفرم‌ها، «هنر و تجربه» و سازمان سینمایی است. امیدوارم «هنر و تجربه» هرچه سریع‌تر فعالیت خود را آغاز کند. در کنار آن امیدواریم اکران آنلاین نیز کمی جدی‌تر دنبال شود، مسأله تبلیغات نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است تا بتوانیم فیلم‌ها را به خوبی به مخاطبان معرفی کنیم.

احمدی گفت: مهم‌ترین مسأله این است که باید تبلیغات درستی صورت بگیرد تا مردم دوباره به سینما بازگردند. درست است که نوع فیلم‌هایی که اکران می‌شود نیز بسیار مهم است و ممکن است برخی فیلم‌ها مناسب اکران نباشد، اما مسأله این است که اگر فیلم خوب و مناسب گیشه نیز اکران شود، چندان مورد استقبال مخاطبان قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر فیلم‌های پرفروش ما نزدیک به یک میلیون مخاطب دارد، این در حالی است که این تعداد مخاطب تقریبا ۱/۱ درصد جمعیت است و ما باید راهکاری پیدا کنیم و مردم را با سینما آشتی دهیم تا بتوانیم آنها را به سینما جذب کنیم. البته لازم به یادآوری است که با ساخت سالن‌های جدید سینمایی، مشکلی در زمینه سالن‌های مدرن نداریم، بلکه مخاطب نداریم. به این مسأله باور ندارم که بلیت سینماها در ریزش مخاطب نقش داشته باشد. من کاری به سینمای کشورهای دیگر و قیمت بلیت در آن ندارم. اما مسأله این است که سه سال پیش که قیمت بلیت سینماها ۲۰ هزار تومان بود، قیمت خورد و خوراک یا دلار چقدر بود و امروز چند درصد ارز و کالاها گران شده است؟ این افزایش قیمت بلیت سینماها نسبت به نرخ تورم اصلا قابل مقایسه نیست. اما واقعیت این است که در حال حاضر سینما رفتن اولویت اول مردم نبوده و از سبد تفریحی مردم خارج شده است. این در حالی است که سینما در دسته تفریحات سالم و ارزان است. البته حواشی تماشای یک فیلم مانند خرید خوراکی‌های مختلف، هزینه‌های بالایی دارد.

دیالوگ ماندگار

خارپشت‌ها در عصر یخبندان

می‌دونی تو عصر یخبندان کیا زنده موندن؟ فقط خارپشتا! اونا دو راه داشتن؛ یا دور هم جمع شن و از همدیگه گرما بگیرن، یا از هم دور شن تا خارشون تو بدن هم نره. اونا راه اول رو انتخاب کردن...

اینها بخشی از دیالوگ‌های فیلم «عصر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی محصول ۱۳۹۳ است. مهتاب کرامتی، بهرام رادان، فرهاد اصلانی، سحر دولتشاهی، آنا نعمتی، محسن کیایی، مینا ساداتی و ژاله صامتی بازیگران این فیلم هستند.

فیلم کوتاه

«درنگ» آماده نمایش شد

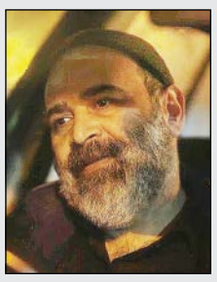

فیلم کوتاه «درنگ» به کارگردانی شیوا اردویی پس از طی مراحل فنی آماده نمایش شد. شیوا اردویی که پیش از این بیشتر در زمینه بازیگری تئاتر و ترجمه ادبی فعالیت داشته، فیلمنامه این اثر را با نگاهی به داستان کوتاه «دلتنگی» اثر آنتوان چخوف نوشته است. این فیلم روایتگر قصه تنهایی ناگزیر آدم‌ها در به‌دوش‌کشیدن بار سنگین هستی است. «درنگ» با همکاری انجمن سینمای جوانان ایران، توسط یاسر اصغری و شیوا اردویی تهیه شده و اسفند سال گذشته مقابل دوربین رفته است. در فیلم کوتاه «درنگ» امید محمدنژاد، رها خدایاری، یاسر اصغری، احسان صادقی، پارسا آرایی‌نژاد، محمد شامی، علیرضا امانی و نیروانا یوسفی به ایفای نقش پرداخته‌اند. سایر عوامل این فیلم عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: امیرحسین صمیمی، تدوینگر: فرید حسینی، صدابردار و طراح صدا: حسن شبانکاره، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: سیامن غیاثی.

پویانمایی

جایزه‌ای دیگر برای «سمپاش»

پویانمایی «سمپاش» برنده جایزه بهترین فیلم کوتاه انیمیشن از چهارمین جشنواره فیلم حقوق بشر ایتالیا شد. انیمیشن ۹ دقیقه‌ای سمپاش به کارگردانی فرنوش عابدی در سال ۱۴۰۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه شده است و در ادامه حضورهای بین‌المللی موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم کوتاه انیمیشن از چهارمین جشنواره فیلم حقوق بشر ایتالیا شد. این پویانمایی با تکنیک سه‌بعدی برای گروه سنی هفت سال به بالا کارگردانی شده است.

هدف از برگزاری این جشنواره فیلم، ترویج سینمای مولف و توجه ویژه به مسأله حقوق بشر و ایجاد گفتمان مشترک بین کارگردانان علاقه‌مند به این حوزه است.

در چهارمین جشنواره فیلم حقوق بشر ایتالیا ۲۴ فیلم کوتاه به نمایش درآمده است.

چهارمین جشنواره فیلم حقوق بشر پس از دو دوره وقفه پس از پاندمی کرونا امسال در شهر باسکی کشور ایتالیا از ۱۳ تا ۱۶ مرداد (۵ تا ۷ آگوست) برگزار شد. پویانمایی علمی - تخیلی سمپاش پیش‌تر نیز جایزه بهترین فیلم کوتاه چهارمین جشنواره ایندی ایکس آمریکا را دریافت کرده است. / اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون